

**محمد رضا حاجی عبدالرزاق**

روزنامه‌نگار

یک اظهارنظر جنجالی از اسماعیل خلیل‌زاده، رئیس هیات مدیره باشگاه استقلال در برنامه تلویزیونی فوتبال برتر کافی بود تا دوباره بحث انتقال بازیکن بین سرخابی‌ها داغ شود البته که موضوع اصلی برنامه به جدال و مناقشه بین خلیل‌زاده و سعادت‌مند اختصاص پیدا کرده و اظهارنظر رئیس هیات مدیره آبی‌ها درخصوص توافقی با مدیرعامل پرسپولیس در وهله بعدی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت اما طی روزهای بعد این اتفاق و اظهارنظر به مناقشه اصلی دو باشگاه در رسانه‌ها تبدیل شد و باشگاه پرسپولیس با انتشار بیانیه‌ای این توافق را از ریشه و اساس تکذیب کرد و در ادامه نیز یکی دو پرسپولیسی دیگر مثل مدیر اجرایی و یکی از مربیان این تیم با اتهام به استقلال‌ی‌ها این اتفاق را از بیخ منکر شدند تا دوباره این موضوع به سوژه اصلی روز رسانه‌ها تبدیل شده و بسیاری از اهالی رسانه به آن پرداخته و پیگیر ماجرا شوند.

### استارت با انتقال نادری

همه چیز از جذب محمد نادری توسط باشگاه استقلال آغاز شد اگرچه در همان زمان در «فره‌یختگان» نوشتیم استقلالی‌ها با رسانه‌ای کردن زودهنگام توافق با نادری و جذب این بازیکن به‌نوعی وزارت ورزش را در عمل انجام شده قرار دادند اما چند روز بعد و با اخباری که از وزارت ورزش به بیرون درز پیدا کرد مشخص شد که واقعا چنین اتفاقی بوده و وزارت‌نشینان به‌نوعی از عواقب جذب نادری توسط باشگاه استقلال هراس پیدا کرده و نگران آن شدند تا پرسپولیسی‌ها برای جبران وتلافی گزینه‌های استقلالی را مدنظر قرار دهند این درحالی است که به ادعای برخی رسانه‌ها بعد از جذب نادری توسط استقلال، محمد دانشگر توسط یحیی گل محمدی مورد توجه قرار گرفت و از سوی دیگر سیامک نعمتی نیز بعد از عدم توافق با رسول‌پناه یک مشتری مطرح به نام استقلال پیدا کرد و در نهایت نیز شاهین طاهرخانی که مورد توجه کادرفنی آبی‌پوشان قرار نگرفت به گزینه پرسپولیس ویحیی گل محمدی برای سرخپوش شدن تبدیل شد. انتقال‌هایی که البته هیچ کدام نهایی نشدند تا بحث توافق برای عدم جابه‌جایی بازیکن بین دو باشگاه جدی‌تر از قبل شود.

### توافق بود یا نبود؟

تکذیبیه باشگاه پرسپولیس در صبح روز سه شنبه ابتدا انگشت اتهام را به‌سمت خلیل‌زاده برد و این سوال را مطرح

# ورزش

**فره‌یختگان گزارش می‌دهد؛ پرسپولیس برخلاف دستور باطاهرخانی وارد گفت‌وگوی مجدد شد**

# غلبه فشار از پایین بر دستور از بالا!

**عبدیان: زمان ثابت می‌کند چه کسی از این جریانات ضرر کرد**



در ادامه نیز ابراهیم شکوری مدیر جوان پرسپولیسی‌ها به این موضوع پرداخته و اعلام کرد اگر کادرفنی به بازیکنی نیاز داشته باشد قطعاً سعی می‌کنند با تمام توان به‌دنبال آن بروند و هیچ تفاهنامه یا توافقنامه‌ای با هیچ باشگاهی نداشته‌اند که بخواهند بازیکنی را جذب کنند یا نکنند. این درحالی است که دقیقاً و در همان سه‌شنبه شب سمعی

اعلام کرد هیچ محدودیتی برای جذب بازیکن ندارد. باشگاه پرسپولیس طبق سیاست و خواسته‌های کادرفنی خود، می‌تواند بازیکنان مورد تأیید سرمربی تیم را جذب کند. پرسپولیس قد‌رتمندترین تیم سال‌های اخیر فوتبال ایران و قهرمان چهار فصل پیاپی لیگ برتر و همچنین فینال‌یست دو دوره لیگ قهرمانان آسیاست.»

کرد که چرا دوشنبه شب و حقیقت تا ننگت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «آقای اسماعیل خلیل‌زاده رئیس هیات مدیره باشگاه استقلال در برنامه فوتبال برتر در مورد توافق استقلال و پرسپولیس برای ممنوعیت جذب بازیکن از لیست تیم مقابل اظهاراتی انجام داد. در واقع این پیشنهاد ابتدا از سوی مدیران استقلال مطرح شد اما مدیرعامل پرسپولیس

**مدیرعامل استقلال را چه کسی انتخاب خواهد کرد؟**

## توپ در زمین باشگاه، انتخاب با وزیر!



وجود بعد از اینکه وزارت به باشگاه استقلال برای انتخاب مدیرعامل اختیاراتم داد گزینه‌های وزارتخانه به طور طبیعی منتفی خواهند شد و حالا باید منتظر اتفاقات بعدی ماند.

### چرا توپ در زمین استقلال افتاد؟

در سال‌های اخیر مدیرانی که برای باشگاه استقلال (همانند باشگاه قیب) انتخاب شده‌اند عملکرد قابل دفاعی نداشته‌اند و به اندازه کافی هم درباره انتخاب‌های بد وزارت ورزش برای استقلال و پرسپولیس موضع‌گیری شده است. حالا و درحالی که حدود ۸۰۷ ماه‌تا پایان دولت حسن روحانی باقی‌مانده به نظر می‌رسد وزارت ورزش در این خصوص تغییر رویه داده و انتخاب مدیرعامل استقلال را به اعضای هیات‌مدیره آن واگذار کرده است تا از عواقب یک انتخاب بد دیگر خلاص شود و با اقدام خود قصد دارد تا در نهایت توپ را در زمین مدیران استقلال بیندازد تا اگر مدیرعامل بعدی نیز فردی فاقد صلاحیت برای مدیریت باشگاه استقلال باشد وزارتخانه از این انتخاب خود را کنار کشیده و اعضای هیات‌مدیره را مسئول انتخاب خود بداند.

با این حال دو نکته باعث می‌شود تا همچنان تبعات انتخاب مدیرعامل بعدی استقلال نیز بر گردن وزارت ورزش باشد.

### چرخه باطل در تصمیم جدید وزارت

تمامی احکام اعضای باشگاه استقلال توسط وزیر ورزش و بعد از انتخاب وزارت به آنها داده شده است و این طور نیست که اعضای هیات‌مدیره فعلی

**انتخاب‌های بد وزارت ورزش برای سرخابی‌ها و عواقب آن**

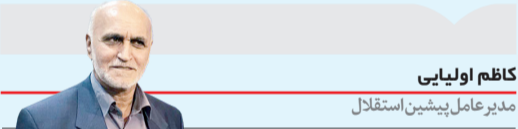
## تخصص، زیرمجموعه پولدار بودن!

بر سسر این است که آقایان به نیت کمک مالی می‌آیند، اما می‌خواهند کار فنی و مدیریتی که بلد نیستند انجام دهند و افتضاح و آبروریزی در برنامه تلویزیونی راه می‌اندازند، پس این اشکال باید برطرف شود.

البته نمونه و مثل‌هایی در دنیا داریم؛ یعنی اگر جنابعالی بخواهید در همه‌جای دنیا یک داروخانه تأسیس کنید، به شما اجازه سرمایه‌گذاری و تأسیس می‌دهند، اما اجازه فروش به شما نمی‌دهند، چون دارو را فقط دکتر داروساز حق دارد تشخیص داده و به دست مریض بدهد؛ یعنی در همه‌جای دنیا تخصص محترم است، اما اینجا در حوزه ورزش تخصص در زیرشاخه پولدار بودن قرار گرفته است و این موضوع اشکال دارد که فقط پولدار بودن اجازه مدیریت و اجازه اهلیت به شما نمی‌دهد، اما الان مجوز کار در باشگاه‌هایی مثل استقلال و پرسپولیس شده است پولدار بودن و آقایان هم هرچور بخواهند مدیریت می‌کنند.

همین الان و همین آقایان در باشگاه استقلال بیش از آنکه پول بدهند، در همین باشگاه‌ها هزینه‌ها ایجاد کرده‌اند، چرن اسقف هزینه‌ها اینقدر بالا رفته است؟ اگر یکی مدعی است که ۱۰ میلیارد پول داده، من می‌گویم ۳۰ میلیارد تومان هزینه‌ها را بالا برده است و این ضرر نه‌تنها به دو باشگاه استقلال و پرسپولیس بلکه به کل فوتبال برخورد کرده و یک پأس فلسفی و ناامیدی برای قهرمان ملی ما در ۵۰ رشته‌ش دیگر به وجود آورده است؛ یعنی فلان ورزشکار زنده ما که مدال آور بین‌المللی محسوب شده و در المپیک مدال می‌آورد، یک‌دفعه می‌بیند یک آقایی در فوتبال ادعای چند میلیاردی می‌کند، اما ورزشکار مدال آور بین‌المللی که صد‌درصد هم ورزشکار شایسته‌تری است ۱۰ درصد آن درآمد فوتبال‌یست را هم نمی‌تواند بگیرد. پس با عملکرد منفی‌مان در جذب سرمایه‌دار، هم قیمت فوتبال را به‌شدت بالا برده‌ایم و هم با ناامیدی یک اختلاف مالی را در ورزش اشاعه داده‌ایم. درواقع می‌توان گفت اینها همه عواقب و تاثیرات انتخابات بد وزارت ورزش است که به این ترتیب عدالت مالی و انصاف در حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای را زیر سوال برده و عوارض آن هم برای آینده خواهد بود و این طوری می‌شود که الان بیشتر از ۷۰ درصد پدر و مادران ما که علاقه‌مندند چه‌هایشان ورزش کنند، به اجبار می‌خواهند آنها را فوتبال‌یست کنند با این نیت که از منبع لایزال فوتبال بتوانند ثروتمند شوند که به این ترتیب فلسفه ورزش کردن و ورزش قهرمانی و همگانی کم‌رنگ می‌شود.

من متأسفم بگویم آقایان در برنامه تلویزیونی دوشنبه شب هم شخصیت و هم سابقه باشگاه را زیر سوال بردند. ما قرار نیست برخلاف عرف اخلاق عمل کنیم و من تعجب می‌کنم که تا الان چطور کمیته اخلاق آقایان را احضار نکرده است. من توقع داشتم کمیته اخلاق بلافاصله عکس‌العمل نشان دهد. مگر می‌شود در مرکزی مثل صداوسیما که ما اسمش را به قول حضرت امام گذاشته‌ایم دانشگاه، دو نفر بروند و این همه بده‌آموزی به این همه جوان یاد بدهند؟ آیا این کارها اخلاقی بود که ویس یکنفر پخش بشود یا یک نفر متهم به دروغ‌گویی و یک نفر دیگر متهم به باخواری شود؟ چطور اینها در گذشته با هم مسئولیت مشترک داشتند؟ مگر هیات‌مدیره که سعادت‌مند مدیرعاملش بود همین آقایان نبودند یا مگر هیات‌مدیره را برای نمایش گذاشتند یا فقط باید شمار بدهند؟ اگر در زمانی که آقایان هیات‌مدیره بودند و مدیرعامل تخلف کرد، آن زمان باید این اتفاقات بازگو شود و اگر هم تخلفی باشد آن تخلف مشترک است و همه باید پاسخگو باشند، نه اینکه وقتی خلاف شد، کی بود کی بود من نبودم راه ببیندازند.



**کاسم اولیایی**

مدیرعامل پیشین استقلال

اگر بخواهم از روند انتخاب مدیران عامل ادوار استقلال در این چند سال اخیر صحبت کنم، ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که حلقه مفقوده ما در فوتبال کشور استانداردسازی است. ما در باشگاه‌های بین‌المللی یک استاندارد داریم که در تجارت قابل قبول است و فیفا هم آن را قبول دارد، این درحالی است که ما باشگاه‌ها را به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی قبول داریم و هر بنگاه اقتصادی از یک رکن اولیه شکل می‌گیرد که اعضای مجمع آن را تشکیل داده و هدایت می‌کنند که می‌توانند از سرمایه‌داران یا متخصصان باشند و بعد از مجمع که رکن اولیه به‌شمار می‌رود، به هیات‌مدیره می‌رسیم که توسط همین اعضای مجمع انتخاب و معرفی می‌شوند. درواقع مهم‌ب‌ارشد می‌شود مجمع، مدیریت میانی می‌شود هیات‌مدیره و مدیر اجرایی هم می‌شود مدیرعامل و زیرمجموعه آن و اگر چنین ساختاری را دنظر بگیریم، انتخاب مدیرعامل به‌صورت طبیعی از وظایف و اختیارات هیات‌مدیره به‌شمار رفته که اگر چنین ساختاری نباشد و مجمع بخواهد به‌صورت مستقیم مدیرعامل را انتخاب کند، درواقع هیات‌مدیره را حذف کرده است؛ یعنی از مدیریت ارشد به مدیریت اجرایی رسیده است که این موضوع خودش یکی از مصیبت‌های فوتبال ما به‌شمار می‌رود. حالا درخصوص وزارت ورزش و انتخاب‌هایی که می‌کند، اولاً من اصرار دارم به‌جای وزارت ورزش قائم‌مقام مجمع را به کار ببرم، چون اینجا وزارت ورزش به‌عنوان قائم‌مقام مجمع ورود کرده است و آن هم به این دلیل که مجمعی وجود ندارد و تشکیل نشده و وزارت ورزش خودش را قائم‌مقام می‌داند.

نکنه عجیب و تاسف‌آور در انتخاب مدیرعاملش، ندیده گرفتن نقش هیات‌مدیره در این انتخاب و آنجایی است که ماجرا را سر و ته کرده‌اند؛ یعنی اول مدیرعامل را انتخاب می‌کنند و سپس بر سر اعضای هیات‌مدیره معامله کرده و به مدیر می‌گویند چند نفر از اعضا را بیاور که بتوانند پشتیبانی مالی کنند و سایرین را ما یعنی وزارت معرفی می‌کنیم تا از نظر مالی باشگاه و تو را حمایت کنند. پس محل ابهام اینجا بحث پشتیبانی مالی است و الان دعوا بر سر هزینه است. حالا استانداردسازی که در فوتبال دنیا به آن فیرپلی مالی نیز اطلاق می‌شود، چه می‌شود؟

فیرپلی مالی در حوزه فوتبال این است که شما هزینه‌ای که می‌خواهید بکنید باید از درآمدتان باشد و در بحث استانداردسازی مجوز حرفه‌ای باید این درآمد در دوجا شفاف باشد؛ یکی ورود پول که پول از کجا می‌آید، چون کسی حق ندارد در فوتبال پولشویی کند و پول قاچاق و سیاه و به فوتبال آورد و آن را سفید کند. پس برای جلوگیری از این کارها باید منبع درآمدی فوتبال کاملاً مشخص باشد و دوم اینکه باید منبع هزینه‌ها نیز مشخص شود. ابهام الان فوتبال کشور همین نکته‌هاست که به نقاطضع دست پیدا می‌کنیم. اغلب آقایان که الان در هیات‌مدیره دچار چالش هستند افرادی هستند که به نیت پرداخت پول آمده‌اند. افرادی مانند موسوی، خلیل‌زاده یا نامداری که صحبت حضورش در میان است همه آمدند گفتند می‌خواهیم پول بیاوریم، درحالی که نباید پول بیاوری مطرح باشند، بلکه پول سازی در فوتبال باید ملاک باشد؛ یعنی از توان باشگاه و برندینگ آن استفاده کرده و درآمد ایجاد کنیم، اما الان دعوا